



اولین درخواست منتظران پس از ظهور امام زمان (عج)/ تفاوت قسط و عدل

دربابتدای دعای ندبه آمده است: «دل بشریت می تپد تا آن نجاتبخش بیاید و ستم را ریشه کن کند بنای ظلم را ویران کند و ستمگران را سر جای خود بنشاند.»

دربابتدای دعای ندبه آمده است: «دل بشریت می تپد تا آن نجاتبخش بیاید و ستم را ریشه کن کند بنای ظلم را ویران کند و ستمگران را سر جای خود بنشاند.»

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه: «در دعای ندبه وقتی شروع به بیان و شمارش صفات آن بزرگوار می‌کنیم، بعد از نسبت او به پدران بزرگوار و خاندان مطهرش، اولین جمله‌ای که ذکر می‌کنیم، این است: «این المعدّ لقطع دابر الظلمه، این المنتظر لاقامة الأمت و العوج، این المرتجی لأزالة الجور و العدوان»؛ یعنی دل بشریت می‌تپد تا آن نجاتبخش بیاید و ستم را ریشه کن کند؛ بنای ظلم را - که در تاریخ بشر، از زمانهای گذشته همواره وجود داشته و امروز هم با شدت وجود دارد - ویران کند و ستمگران را سر جای خود بنشاند. این اولین درخواست منتظران مهدی موعود از ظهور آن بزرگوار است. یا در زیارت آل یاسین وقتی خصوصیات آن بزرگوار را ذکر می‌کنید، یکی از برجسته‌ترین آنها این است که «الذی یملا الارض عدلاً و قسطاً کما ملئت جوراً و ظلماً». در روایاتی هم که درباره آن بزرگوار هست، همین معنا وجود دارد.» (۱)

اما آیا «عدل» و «قسط»، «ظلم» و «جور» با هم تفاوتی دارند که در روایات مخصوصاً روی این عناوین کراراً تکیه شده است؟

«عدل تقسیم مساوی است. قسط دست یافتن به سهم و نصیب از روی عدالت است.» (۲)

«از ریشه ظلم و جور هم استفاده می‌شود که تجاوز به حقوق دیگران دو گونه است که در ادبیات عرب برای هر کدام نامی جداگانه است.»

نخست آن است که انسان، حق دیگری را به خود اختصاص دهد و دسترنج دگران را غصب کند، این را «ظلم» می‌گویند. دیگر آن که حق افرادی را از آنها گرفته، و به دگران دهد و برای محکم کردن پایه‌های قدرت خود، هوا خواهان خویش را بر مال یا جان یا نوامیس مردم مسلط کند و با تبعیض‌های ناروا کسب قدرت کند، این را «جور» می‌گویند. نقطه مقابل «ظلم»، «قسط» و نقطه مقابل «جور»، «عدل» می‌باشد.

به هر حال، به هنگامی که «تجاوز» به حقوق دگران از یک سو و «تبعیض‌ها» از سوی دیگر، جامعه انسانی را پر می‌کند او ظاهر می‌شود و همه اینها را از میان می‌برد.» (۳)

عبارت «کما ملئت ظلماً و جوراً؛ همانگونه که جهان از ظلم و جور پر شده باشد»، عین این تعبیر، در بسیاری از احادیث که در منابع شیعه و اهل سنت آمده دیده می‌شود و از مجموع آنها استفاده می‌شود که از روشنترین نشانه‌های این انقلاب همین موضوع است.» (۴)

چنانچه «نخستین نشانه‌ای که با مشاهده آن می‌توان نزدیک شدن هر انقلابی - از جمله این انقلاب بزرگ را - پیش‌بینی کرد گسترش ظلم و جور و فساد و تجاوز به حقوق دیگران و انواع مفاسد اجتماعی و انحرافات اخلاقی است که خود عامل توسعه فساد در جامعه است.»

طبیعی است فشار که از حد گذشت انفجار رخ می‌دهد، زیرا انفجارهای اجتماعی همانند انفجارهای مکانیکی به دنبال فشارهای شدید و زیاد از حد است. گسترش دامنه‌های ظلم و فساد بوسیله ضحاکان هر زمان بذره‌های انقلاب را آبیاری می‌کند، و کاهه‌های آهنگر را در کنار کوره‌های آتش پرورش می‌دهد؛ کم کم بحران اوج می‌گیرد و لحظه انقلاب نزدیک می‌گردد.

در مورد نزدیک شدن انقلاب بزرگ جهانی و ظهور مصلح بزرگ مهدی نیز مسأله همین گونه است.

منتها هیچ لزومی ندارد که مانند افرادی منفی‌باف به فکر توسعه فساد و ظلم بیشتر بیفتیم، بلکه با توجه به وجود مفاسد در مقیاس وسیع و به حد کافی باید در ساختن خود و دیگران و یک گروه نیرومند شایسته و شجاع و آگاه که پرچمدار انقلاب باشد

امام خمینی (ره) در این باره می فرماید: «الآن عالم پر از ظلم است. شما یک نقطه هستید در عالم. عالم پر از ظلم است. ما نتوانیم جلوی ظلم را بگیریم، باید بگیریم؛ تکلیفمان است. ضرورت اسلام و قرآن تکلیف ما کرده است.» (۶)

اما «برخی از افراد، از روایت «المنتظر الذی یملاء الله به الارض قسطا و عدلا كما ملئت جورا و ظلما»، نتیجه گرفته اند که وجود ستم و فساد و حکومت‌های خود کامه در جهان، پیش از ظهور مهدی علیه السلام طبیعی است، بلکه مقدمه ظهور و فرج آن حضرت است و ما نباید با مقدمه ظهور آن حضرت مبارزه کنیم.

اینان، با این برداشت، تشکیل حکومت اسلامی را در دوره غیبت ممنوع اعلام کرده اند؛ زیرا به پندار اینان، هر اندازه دولت اسلامی موفقیت کسب کند، از ظلم و فساد کاسته می شود و ظهور امام علیه السلام که مشروط به پر شدن زمین از فساد و ستم است، به تأخیر می افتد.

پیامدهای زیانبار این برداشت از روایات، تا حدودی روشن است. زیرا بر اساس این تفکر، امر به معروف و نهی از منکر و دخالت در امور سیاسی، نه تنها جایز نیست که باید با کسانی که به این مسائل می پردازند، مخالفت کرد.

آنان اجازه هیچ گونه فعالیت سیاسی خلاف رژیم طاغوتی را به اعضای خویش نمی دادند و تمام فعالیت‌های گروه‌های مبارزاتی مسلمان را بدون پشتوانه فرهنگی، مردمی و مردود می دانستند و متقابلاً رژیم طاغوت هم هیچ برخوردی جدی با تشکیلات آنان نداشت.» (۷)

«صاحبان این تفکر، راه و حرکت امام خمینی را تخطئه می کردند. و ارتباط با امام و یاران او را، گناهی نابخشودنی می دانستند.» (۸)

«بیش از پنجاه روایت در «وسائل الشیعه» و «مستدرک الوسائل» و دیگر کتاب‌های روایی است که ائمه به شیعیان امر می فرمایند: از پادشاهان و ستمگران کناره گیری کنید، به دهان مداحان خاک بریزید، هر کس مدادی برای آنان بترشد و یا دواتشان را آماده کند چنین و چنان می شود و...»

آری، ائمه (ع) منتظر حکومت جهانی مهدی (ع) بودند. ولی انتظار آنان مسؤ لیت ساز بود، نه مسؤ لیت بردار. انتظاری که آنان را لحظه ای از تلاش و کوشش برای نابودی دشمن و استقرار حکومت اسلامی باز نمی داشت.

این برداشت، معارض است با آن دسته از روایاتی که از وجود قیامها و حکومت‌های حق، که پیش از ظهور مهدی (ع) پدیدار می گردند، خبر می دهند.

پیامبر اکرم می فرماید:

«یخرج الناس من المشرق فیوطئون للمهدی سلطانه» مردمی از مشرق قیام می کنند و زمینه حکومت مهدی علیه السلام را فراهم می سازند.

حافظ ابو عبدالله گنجی شافعی، محدث معروف اهل سنت در کتابی که درباره مناقب علی علیه السلام نوشته بابی را با عنوان: «ذکر اهل المشرق للمهدی علیه السلام» آورده است. وی در این باب حدیث فوق را نقل کرده و در ذیل آن نوشته است:

هذا حدیث حسن، صحیح رواه الثقات و الاثبات، اخرجه الحافظ ابو عبدالله بن ماجه القزوینی، فی سننه

این حدیث، حدیثی است حسن و صحیح که آن را راویان موثق و عالمان حجت روایت کرده اند، و حافظ ابن ماجه قزوینی، این حدیث را در کتاب سنن خود آورده است.

در برخی دیگر از روایات فریقین، به شکل گرفتن دولت حقی، پیش از ظهور مهدی (ع)، که تا قیام آن حضرت ادامه پیدا می کند، تصریح شده است.» (۹)

«روایاتی که دلالت بر فراگیر شدن ظلم در هنگام ظهور مهدی (ع) می کنند، به این معنی نیستند که همه مردم در آن زمان

فاسد و ستمگرند و هیچ فرد و یا گروه صالحی در آن هنگام یافت نمی شود که از حق طرفداری کند که در نتیجه ، فراگیر شدن ظلم و فساد جبری باشد و مبارزه با آن غلط و مبارزه با مقدمه ظهور فرج ! زیرا به تعبیر قرآن ، به هنگام ظهور مهدی (ع) افراد صالح و مستضعف وجود دارند که آنها وارث حکومت زمین ، به رهبری آن حضرت می شوند. روایات زیادی نیز بر این معنی دلالت دارند. بنابراین ، این برداشت با این دسته از آیات و روایات تعارض دارد.»(۱۰)

با توجه به این معنی ، این احادیث ، به هیچ روی مسؤولیت مبارزه با فساد و ستم و جانبداری از حق و عدالت و همچنین تشکیل حکومت اسلامی را نفی نمی کنند.»(۱۱)

« ارزش دارد که انسان در مقابل ظلم بایستد، در مقابل ظالم بایستد و مشتش را گره کند و توی دهنش بزند، و نگذارد که این قدر ظلم زیاد بشود، این ارزش دارد. ما تکلیف داریم آقا! این طور نیست که حالا که ما منتظر ظهور امام زمان - سلام الله علیه - هستیم پس دیگر بنشینیم تو خانه هایمان، تسبیح را دست بگیریم و بگوییم «عَجَلُ عَلٰی قَرْجِهٍ». عَجَلُ، با کار شما باید تعجیل بشود، شما باید زمینه را فراهم کنید برای آمدن او.»(۱۲)

« زمینه ها وقتی آماده شد؛ آن وقت که معلوم شد در مقابل قدرت مادی مستکبران عالم، زمینه این وجود دارد که آحاد بشر بتوانند بر روی حرف حق خود بایستند، آن روز، روز ظهور امام زمان است؛ آن روز، روزی است که منجی عالم بشریت به فضل پروردگار ظهور کند و پیام او همه دل های مستعد را که در همه جای جهان هستند، به خود جذب کند و آن وقت دیگر قدرتهای ستمگر، قدرتهای زورگو، قدرتهای متکی به زر و زور نتوانند حقیقت را - آن چنانی که قبل از آن همیشه کرده اند - با فشار زر و زور خود به عقب بنشانند.»(۱۳)

منابع:

۱- در انتظار ولی اعظم ص ۵۲، برگرفته از بیانات مقام معظم رهبری ۱۳۸۱/۰۷/۳۰

۲- عصر زندگی و چگونگی آینده انسان و اسلام (پژوهشی در انقلاب جهانی مهدی (عج) ، محمد حکیمی ص ۲۶

۳- حکومت جهانی مهدی (عج) آیت الله العظمی مکارم شیرازی ص ۱۶۱

۴- همان ص ۱۶۰

۵- همان صص ۱۶۰-۱۶۱

۶- در انتظار ولی اعظم صص ۹۷-۱۰۳ برگرفته از صحیفه امام ج ۲۱، صص ۱۶-۱۷

۷- در جستجوی قائم [عج] سید مجید پور طباطبایی ص ۳۹۰

۸- چشم به راه مهدی (عج) ص ۱۱۰

۹- همان صص ۱۱۳-۱۱۴

۱۰- همان به نقل از بحار الانوار ج ۵۱ ص ۹۳

۱۱- چشم به راه مهدی (عج) ص ۱۱۸

۱۲- بیانات امام خمینی (ره) در دیدار با اقشار مختلف مردم در سالروز مبعث پیامبر (ص)

در تاریخ ۱۳۶۲/۱۰/۰۱

۱۳- در انتظار ولی اعظم ص ۷۸ ، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اقشار مختلف مردم در سالروز میلاد خجسته امام زمان (عج)